



د رنگ

آمار رارها کنیم و با کیفیت بخوانیم



دکتر محسن حیدری

جام چم

برآورد شده و در مقایسه با آمار قبلی روزانه ۱۸ دقیقه و ۱۴ ثانیه سال ۹۶ باز هم از کاهش علاقه مردم به مطالعه خبر می‌داد. این در حالی است که طبق آمار جهانی میانگین مطالعه روزانه مردم تقریباً یک ساعت و نیم است و کشور هند بیشترین میزان مطالعه را دارد!

قرار نیست در این نوشته به نگو‌هش سرانه مطالعه در کشور بپردازیم، قرار است اینجا از دو زاویه انتقادی به این موضوع نگاه کنیم:

یک: آمار مذکور به چه نحو محاسبه می‌شود و تا چه اندازه دقیق و قابل اتکا ست؟ مرکز آمار ایران برای این محاسبه سرانه مطالعه از چه تعداد هموطنان تحقیق به عمل می‌آورد و صحت و سقم داده‌های خود را چگونه بررسی می‌کند؟ معمولاً در آمارهای کلان این چنینی هیچ‌گاه واقعیت آن‌طور که باید، نمود نمی‌یابد؛ چرا که ارائه آمارهایی با چنین جزئیات، آن هم با توجه به این‌که دسترسی به بسیاری از افراد اهل مطالعه در سراسر ایران وجود ندارد، از اعتبار و استناد پذیری تحقیق می‌کاهد. به عنوان مثال اگرچه قیمت کاغذ و متعاقب آن کتاب به گونه‌ای بالا رفته‌است که چه بسا بسیاری از افراد از خرید کتاب مد نظر خود امتناع کنند اما فرهنگ دیرینه قرض دادن کتاب به همدیگر برای مطالعه اطرافیان، عاملی است که به نوعی آن را جبران می‌کند؛ لیکن در هیچ یک از شیوه‌های محاسبه سرانه مطالعه در نظر گرفته نمی‌شود.

دو: الیف شافاک، رمان‌نویس معروف و خالق کتاب‌هایی چون «ملت عشق» و «سه دختر حوا» در بخشی از کتاب جدید خود تحت عنوان «فرزانی از عصر تفرقه»، به موضوع «اتاق‌های پژواک» اشاره و بیان می‌کند: «اگر تمام دوستان و آشنایان من طرز فکری شبیه خودم داشته باشند، همچون من رای بدهند و مانند من سخن بگویند، اگر من تنها از کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلاتی تغذیه کنم که با آنچه بیشتر خواندم هم‌راستا هستند، اگر تنها وب‌گاه‌هایی را دنبال کنم که با پیش فرض‌های ذهنی‌ام جور در می‌آیند، اگر تنها ویدئوها یا برنامه‌هایی را تماشا کنم که اساساً دیدگاه مرا تصدیق می‌کنند، اگر تمام اطلاعاتم از منابع محدود و مشابه به دست آیند، معنایش این است که در اعماق وجودم، دوست دارم تمام روز تصویرم در آینه مرا محاصره کند.»

پر واضح است که مطالعه همیشگی فقط موضوعات خاص و خوانش مطالبی که در تأیید دیدگاه‌های پیشین ما هستند و آنها را به چالش نمی‌کشند، سد معبری بر پررستی‌های بنیادی جدید و جست‌وجوی بیشتر برای گشودن دریچه‌های جدید علم و دانش خواهند بود. هنر مطالعه آن است‌که هم مطالب موافق با دیدگاه خود را بخوانیم و هم مطالبی که‌ای بسا با نگاه کنونی ما در تعارض باشد و چه هنری والاتر از این‌که مطلبی را بخوانیم و تا پیش از پایان مطالعه، دیدگاه‌ها و قضاوت‌های قبلی خود را در آن دخیل نکنیم؛ امری که به ظاهر ساده می‌نماید اما در مقام عمل بسیار دشوار است.

بسیاری از ما در حالت عادی، با مشاهده اولین کلمات در سطر اول یک مطلب، تحلیل و ارزیابی و قضاوت خود از متن و نویسنده را اعمال می‌کنیم و کار به خواندن همه مطلب و ادامه فرآیند مطالعه و یادگیری نمی‌رسد. به یاد داشته باشیم حتی با کتاب‌خوانی و مطالعه هزاران منبع که فقط دیدگاه قبلی ما را تأیید می‌کنند نیز منجر به نوعی دکماتیسیم می‌شود تا این‌که از یک جایی به بعد، هم مدعی دانش می‌شویم و هم هر نوشته‌ای که مغایر با دانش قبلی ما باشد را عاری از منطق دانسته و به دیوار می‌بویم. حال فرقی نمی‌کند چه روزانه ۱۶ دقیقه ۳۶ ثانیه مطالعه کنیم، چه یک ساعت و نیم و بیشتر.

بایبید هم کتاب و روزنامه و مجله و... بخوانیم، و هم بیش از آن‌که به کمیت مطالعه اهمیت

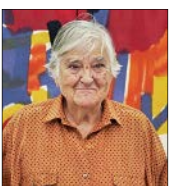
بدهیم، با کیفیت و با تأمل بخوانیم و نیز در کنار

مطالب هم‌راستا با دانش قبلی، مطالب دیگری

هم بخوانیم که ذهن ما را به چالش می‌کشند تا

بیشتر بخوانیم و بیشتر به دنبال یادگیری‌های

جدید و عمیق‌تر برویم.

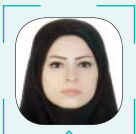


شاعر و نقاش استعمارستیز درگذشت

ایقل عدنان، نقاش و شاعر مشهور لبنانی‌ال‌اصل در ۹۶سالگی درگذشت. او نقاشی را در اعتراض به استعمار آغاز کرد و در دهه‌های پایانی عمر به شهرت و اعتبار بالایی دست یافت. به گزارش فارس هنگام مرگ عدنان، نمایشگاهی از او در موزه گوگنهام نیویورک در کنار واسیلی کاندینسکی (نقاش روس) برگزار شده و تا ماه اول سال آینده ادامه خواهد داشت. عدنان ماه گذشته در آرت بازل ۲۰۲۱ هم حضور داشت.

گفت‌وگو با محسن قصابیان، بازیگر نقش شهید ستاری درباره فیلم «منصور»

یک فیلم برای شهید ستاری کافی نیست



ساناز غبیری

فرهنگ هنر

روایت گرم و گیرا، رویکردی به ساخت اولین جنگنده کاملاً ایرانی با نام «آذرخش» در آخرین سال‌های دفاع مقدس با نظارت شهید ستاری هم داشته باشد. جام‌چم پای صحبت‌های محسن قصابیان نشست‌ه‌است تا در خلال گفت‌وگو با این بازیگر، زوایایی تازه از فیلم منصور و ناگفته‌هایی از شخصیت شهید ستاری فرصت طرح ییابند. قصابیان متولد مرداد ۱۳۴۸ است و سابقه بیش از سه دهه فعالیت حرفه‌ای در سینمای ایران و پیش‌تر از آن در عرصه تئاتر دارد. هرچند این هنرمند با سینمای دفاع مقدس نیز بیگانه نیست و از قضا نخستین فیلم بلند او «تولن» ساخته مجتبی راعی در سال ۷۱ نیز اثری در همین گونه است. بازیگری که خودش اعتقاد دارد: «با یک فیلم تمام وجوه شخصیتی شهید ستاری دیده نمی‌شود. در قبال زحمات مثال زدن و کارهای ارزشمندی که ایشان برای این کشور انجام داده، ساخت یک فیلم خیلی کم است.» منصور در جشنواره فجر ۳۹ در دورشته بهترین جلوه‌های ویژه بصری و بهترین کارگردان اول نامزد دریافت سیمرغ بلورین نیز بود.

❖ **شما از بازیگران با سابقه تئاتر و سینما هستید که به‌خصوص در سال‌های اخیر کمتر جلوی دوربین رفته‌اید. بنا بر این بازی در نقش شهید ستاری، فرمانده نیروی هوایی ارتش هم برای شما نوعی ریسک به حساب می‌آمد و هم برای کارگردان که شما را برای بازی در این نقش انتخاب کردند.**

چگونه برای این فیلم انتخاب شدید؟

در مورد کارگردان که نمی‌دانم چرا مرا انتخاب کرد اما در مورد خودم باید بگویم اساساً آدم ریسک‌پذیری هستم. در کارهای هنری اگر ریسک نکنید، هیچ اتفاق متفاوتی به‌دست نمی‌آید. بله، درست می‌گویید در سال‌های اخیر کم‌کار بودم. در دهه‌۷۰ در کنار اجراهایی که در تلویزیون داشتم، سالی یکی دو بازی هم داشتم تا این‌که رسید به سریال‌های «تنگ سرپر» و «انگشتی عقیق». بعد از این سریال‌ها بود که هر فیلمنامه‌ای به‌دستم می‌رسید، می‌گفتم چرا باید در آنها بازی کنم.

❖ **این قدر کیفیت فیلمنامه‌ها پایین بود؟**

خیر، مطابق سلیقه من نبود. قطعاً فیلمنامه‌های خوبی هم در این سال‌ها کار شده که به من پیشنهاد نمی‌شد. به همین علت فتم سراغ تهیه‌کنندگی و کارگردانی و گذشت تا کیومرث مرادی (بازیگردان منصور) با من تماس گرفت و گفت فیلمی داریم کار می‌کنیم، می‌آیی؟ و من هم نپرسیدم

خانه‌ای برای نمایش‌های آیینی و سنتی نداریم

جواد انصافی گفت: بارها تقاضا کردیم یکی از خانه‌های قدیمی موجود در شهر تهران را در اختیار نمایش‌های آیینی و سنتی قرار دهند تا به‌عنوان سالن و خانه‌ای ثابت برای هنرمندان این عرصه باشد و در طول سال به اجرای سیاه‌بازی و دیگر نمایش‌های آیینی و سنتی بپردازند و در ایام ماه‌های محرم و صفر نیز در آن تعزیه اجرا شود ولی هیچ‌کدام از تقاضاهای ما به نتیجه نرسید.

یک فیلم برای شهید ستاری کافی نیست

❖ یک توصیه ساده برای تماشای فیلمی متعلق به سینمای محترم دفاع مقدس مثل «منصور» شاید آنچنان انگیزه‌دهنده نباشد که بازیگر نقش اول آن از ابعاد دیدنی و جلوه‌های جذابش بگوید. بازیگری که در کسوت یک قهرمان مقتدر جنگ ظاهر شده و روی پرده عریض سینما به او جانی دوباره بخشیده‌است. خاصه آن‌که به نظر می‌رسد سینمای ما از منظر قهرمان پروری با کاستی‌های جدی و قابل تاملی روبه‌روست و این در حالی است که در حماسه‌های ملی، میهنی و دینی ما به وفور نمونه‌های شگفت‌انگیز و بکری خلق شده یاد ر واقعیت زیسته‌اند که جنبه‌های دراماتیک و سینمایی ایده‌آلی دارند اما کمتر به آنها پرداخته شده‌است. درگذر از معدود نمونه‌های افتخارآمیز تاریخ معاصر کشورهم‌چون «چ»، «تختی» و... که طی سال‌های اخیر مجال نمایش در سینما را یافته‌اند، این روزها با فیلمی دیگر در ژانر بیوگرافی و از گونه دفاع مقدس مواجه هستیم. فیلم منصور، نخستین ساخته سینمایی سیایش سرمدی که محسن قصابیان در آن نقش شهید تیمسار منصور ستاری، فرمانده اسبق نیروی هوایی را ایفا کرده، از چهارشنبه هفته گذشته به اکران عمومی رسیده‌است. فیلمی که به جرأت می‌توان آن را تجلی غرور و انگیز و آرمانی تمرکز روی زندگی یکی از مفاخر نظامی کشور دانست و به آن مباحات کرد. منصور به‌رغم تمام ضعف و قوت‌هایش تلاش کرده با نگاهی صادقانه، صریح و واقعگرایانه به روایت برش‌هایی از زندگی شهید ستاری بپردازد و به موازات این

روایت گرم و گیرا، رویکردی به ساخت اولین جنگنده کاملاً ایرانی با نام «آذرخش» در آخرین سال‌های دفاع مقدس با نظارت شهید ستاری هم داشته باشد.

جام‌چم پای صحبت‌های محسن قصابیان نشست‌ه‌است تا در خلال گفت‌وگو با این بازیگر، زوایایی تازه از فیلم منصور و ناگفته‌هایی از شخصیت شهید ستاری فرصت طرح ییابند. قصابیان متولد مرداد ۱۳۴۸ است و سابقه بیش از سه دهه فعالیت حرفه‌ای در سینمای ایران و پیش‌تر از آن در عرصه تئاتر دارد. هرچند این هنرمند با سینمای دفاع مقدس نیز بیگانه نیست و از قضا نخستین فیلم بلند او «تولن» ساخته مجتبی راعی در سال ۷۱ نیز اثری در همین گونه است. بازیگری که خودش اعتقاد دارد: «با یک فیلم تمام وجوه شخصیتی شهید ستاری دیده نمی‌شود. در قبال زحمات مثال زدن و کارهای ارزشمندی که ایشان برای این کشور انجام داده، ساخت یک فیلم خیلی کم است.» منصور در جشنواره فجر ۳۹ در دورشته بهترین جلوه‌های ویژه بصری و بهترین کارگردان اول نامزد دریافت سیمرغ بلورین نیز بود.

❖ **چرا، چون می‌دانستم با پیش‌بینی نه‌آشناست، فیلمنامه را برابرم فرستاد و دیدم نثر روانی دارد. به‌جایه‌ای این کار هم از دوستان قدیمی‌ام بودند و همین مسأله بیشتر راغبم می‌کرد تا در آن بازی کنم.**

❖ **برای بازی در این نقش نگران نبودید؟**

من هر بار که می‌خواهم روی صحنه بروم، تپش قلب دارم یا سه بار که می‌خواهم جلوی دوربین بروم به‌خصوص در دو سه روز اول تپش قلب دارم و البته نیاز به تأیید دارم که ببینم این راه درست است یا نه؟ بعد از گذشت روزهای ابتدایی، این حس کم‌رنگ‌تر می‌شود. اساساً یک بازیگر هرچقدر قبل از شروع کار فرصت داشته باشد بهتر است. چون به لحاظ فیزیکی و روانی بیشتر می‌تواند خودش را آماده کند.

❖ **تا توجه به تحقیقات و مطالعاتی که برای رسیدن به این نقش کردید، متفاوت‌ترین ویژگی شهید ستاری را در چه دیدید؟**

واقعیتش را بخواهید بعد از خواندن فیلمنامه بود که با شخصیت تیمسار ستاری آشنا شدم. به محل تولد ایشان، ولی‌آباد (نام روستایی در جنوب شهرستان چرچک) رفتم و پای خاطرات همشهری‌هایشان نشستم و طی همین تحقیقات بود که متوجه شدم شهید ستاری کارهای بزرگ زیادی برای این مملکت انجام داده، چقدر برای کشورش



نگاهی به نقاط ضعف و قوت فیلم «منصور»

بلندپروازی در ارتفاع پست



علی رستگار

سینما

❖ «اینا رو بنذاز تو کانتینر، دستگاه جوش بپارید در کانتینر رو جوش

بدید، ببرید بندازید بیابوتای قم!»

این برش جنجالی از فیلم سینمایی «منصور» که این روزها

در فضای مجازی منتشر شده،

بسیار جذاب است و حکایت از

برش و قاطعیت و جسارت یک

قهرمان همچون شهید منصور ستاری دارد که برای

نماینده دادستانی، تره هم خرد نمی‌کند و خیلی سرخود و

مقتدرانه، فک پلمب می‌کند و با گفتن این دیالوگ شاخ و

شانه هم می‌کشد. فیلم منصور اما با وجود یک قهرمان

جسور و کاربزماتیک، اتفاقاً از این صحنه‌ها و

سکانس‌های جذاب کم دارد و ملاحظات و

محافظه‌کاری‌ها و روایت اخلاق‌مدارانه از زندگی و دوران

مسئولیت فرمانده فقید و نام آشنای نیروی هوایی

ارتش، تاحدی ضرب و التهاب و هیجان فیلم را کم می‌کند

و آن را از اثری متوسط فراتر نمی‌برد، درحالی‌که ظرفیت

شخصیتی شهید ستاری و انبوه ماجراهایی که او در زندگی

و دوران تحصیل و خدمات نظامی تجربه کرد، در کنار

جسارت در داستان پردازی‌های مبتنی بر کاراکتر و واقعیت و تزئیق جذابیت بیشتر، می‌توانست منصور را به فیلمی

درخشان و ماندگار در سینمای ایران تبدیل کند. با این

حال این فیلم با همین وضعیت و ساختار فعلی،

چیزهایی برای توجه و دوست داشتن دارد، به ویژه

پرداختن به یک قهرمان ملی و واقعی که از نیازها و

ضرورت‌های سینمای ایران است.

❖ **یک قهرمان واقعی**

شیوع سینمای مدرن و اجتماعی در این سال‌ها، سینمای بی‌اعتنا به ژانر ایران را بیش از پیش، تک ساختی و تک‌بعدی کرده‌است. تاخت و تاز شخصیت‌های بی‌هویت و مد‌بودن پایان باز، باعث شده خبرچندانی از قصه‌گویی به شیوه کلاسیک و قهرمانان موثر در داستان و پیش‌برنده درام نباشد، از همان‌ها که دل‌مان به قهرمان بودن و عملشان خوش باشد. یکی از ظرفیت‌های همیشگی تولید فیلم‌های قهرمان محور، شخصیت‌های واقعی و قهرمانان ملی کشور است که سینمای ایران به جز موارد استثنائی چندان به آن بها نمی‌دهد. ملاحظات رسمی و چالش‌های متعدد به ویژه جلب رضایت از خانواده‌های

فیلم منصور، به شخصیت ستاری علاقه‌مند می‌شود و اگر

خنده‌ناپذیر از آنها نمایش داده‌شود، باعث شده این

بهره‌بردار سینمایی چندان رخ ندهد و اگر هم محصولی

با عبور از هزار فیلتر تولید شده، ابدا نشانی از جذابیت

نداشته‌باشد. در این میان استثنائاتی چون ایستاده‌درغبار

راهم داریم که یک قهرمان جذاب واقعی (احمد موسولیان)

را به تصویر می‌کشد که برای تماشاگران با غافلگیری همراه

است. هرچند همین مورد هم گلابه‌ها و حقیقتی به

دنبال داشت. درحالی‌که ما باید به درکی جمعی از سینما

و قصه‌گویی و جذابیت برسیم و اجازه دهیم فیلمسازان

ضمن احترام به شخصیت‌های مورد بهره‌برداری در کلیت،

در جزئیات خوانش‌های خود را داشته‌باشند. مهم‌ترین

امتیاز منصور به نویسنندگی و کارگردانی سیایش سرمدی و

محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج، پرداختن به زندگی و

بخشی از خدمات شهیدمنصور ستاری به عنوان فرمانده

نیروی هوایی ارتش (از سال ۶۵) است. یک قهرمان ملی و

واقعی که فیلم منصور دست کم موفق می‌شود به واسطه

رسانه گسترده سینما، نقشی مهم در معرفی بیشتر او به

مردم به ویژه جوان‌ها داشته‌باشد. مخاطب قطعاً با دیدن

فیلم منصور، به شخصیت ستاری علاقه‌مند می‌شود و اگر

خنده‌ناپذیر از آنها نمایش داده‌شود، باعث شده این

بهره‌بردار سینمایی چندان رخ ندهد و اگر هم محصولی

با عبور از هزار فیلتر تولید شده، ابدا نشانی از جذابیت

نداشته‌باشد. در این میان استثنائاتی چون ایستاده‌درغبار

راهم داریم که یک قهرمان جذاب واقعی (احمد موسولیان)

را به تصویر می‌کشد که برای تماشاگران با غافلگیری همراه

است. هرچند همین مورد هم گلابه‌ها و حقیقتی به

دنبال داشت. درحالی‌که ما باید به درکی جمعی از سینما

و قصه‌گویی و جذابیت برسیم و اجازه دهیم فیلمسازان

ضمن احترام به شخصیت‌های مورد بهره‌برداری در کلیت،

در جزئیات خوانش‌های خود را داشته‌باشند. مهم‌ترین

امتیاز منصور به نویسنندگی و کارگردانی سیایش سرمدی و

محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج، پرداختن به زندگی و

بخشی از خدمات شهیدمنصور ستاری به عنوان فرمانده

نیروی هوایی ارتش (از سال ۶۵) است. یک قهرمان ملی و

واقعی که فیلم منصور دست کم موفق می‌شود به واسطه

رسانه گسترده سینما، نقشی مهم در معرفی بیشتر او به

مردم به ویژه جوان‌ها داشته‌باشد. مخاطب قطعاً با دیدن

فیلم منصور، به شخصیت ستاری علاقه‌مند می‌شود و اگر

خنده‌ناپذیر از آنها نمایش داده‌شود، باعث شده این

بهره‌بردار سینمایی چندان رخ ندهد و اگر هم محصولی

با عبور از هزار فیلتر تولید شده، ابدا نشانی از جذابیت

نداشته‌باشد. در این میان استثنائاتی چون ایستاده‌درغبار

راهم داریم که یک قهرمان جذاب واقعی (احمد موسولیان)

را به تصویر می‌کشد که برای تماشاگران با غافلگیری همراه

است. هرچند همین مورد هم گلابه‌ها و حقیقتی به

دنبال داشت. درحالی‌که ما باید به درکی جمعی از سینما

و قصه‌گویی و جذابیت برسیم و اجازه دهیم فیلمسازان

ضمن احترام به شخصیت‌های مورد بهره‌برداری در کلیت،

در جزئیات خوانش‌های خود را داشته‌باشند. مهم‌ترین

امتیاز منصور به نویسنندگی و کارگردانی سیایش سرمدی و

محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج، پرداختن به زندگی و

بخشی از خدمات شهیدمنصور ستاری به عنوان فرمانده

نیروی هوایی ارتش (از سال ۶۵) است. یک قهرمان ملی و

واقعی که فیلم منصور دست کم موفق می‌شود به واسطه

رسانه گسترده سینما، نقشی مهم در معرفی بیشتر او به

مردم به ویژه جوان‌ها داشته‌باشد. مخاطب قطعاً با دیدن

فیلم منصور، به شخصیت ستاری علاقه‌مند می‌شود و اگر

خنده‌ناپذیر از آنها نمایش داده‌شود، باعث شده این

بهره‌بردار سینمایی چندان رخ ندهد و اگر هم محصولی

با عبور از هزار فیلتر تولید شده، ابدا نشانی از جذابیت

نداشته‌باشد. در این میان استثنائاتی چون ایستاده‌درغبار

راهم داریم که یک قهرمان جذاب واقعی (احمد موسولیان)

را به تصویر می‌کشد که برای تماشاگران با غافلگیری همراه

است. هرچند همین مورد هم گلابه‌ها و حقیقتی به

دنبال داشت. درحالی‌که ما باید به درکی جمعی از سینما

و قصه‌گویی و جذابیت برسیم و اجازه دهیم فیلمسازان

ضمن احترام به شخصیت‌های مورد بهره‌برداری در کلیت،

در جزئیات خوانش‌های خود را داشته‌باشند. مهم‌ترین

امتیاز منصور به نویسنندگی و کارگردانی سیایش سرمدی و

محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج، پرداختن به زندگی و

بخشی از خدمات شهیدمنصور ستاری به عنوان فرمانده

نیروی هوایی ارتش (از سال ۶۵) است. یک قهرمان ملی و

واقعی که فیلم منصور دست کم موفق می‌شود به واسطه

رسانه گسترده سینما، نقشی مهم در معرفی بیشتر او به

مردم به ویژه جوان‌ها داشته‌باشد. مخاطب قطعاً با دیدن

فیلم منصور، به شخصیت ستاری علاقه‌مند می‌شود و اگر

خنده‌ناپذیر از آنها نمایش داده‌شود، باعث شده این

بهره‌بردار سینمایی چندان رخ ندهد و اگر هم محصولی

با عبور از هزار فیلتر تولید شده، ابدا نشانی از جذابیت

نداشته‌باشد. در این میان استثنائاتی چون ایستاده‌درغبار

راهم داریم که یک قهرمان جذاب واقعی (احمد موسولیان)

را به تصویر می‌کشد که برای تماشاگران با غافلگیری همراه

است. هرچند همین مورد هم گلابه‌ها و حقیقتی به

دنبال داشت. درحالی‌که ما باید به درکی جمعی از سینما

و قصه‌گویی و جذابیت برسیم و اجازه دهیم فیلمسازان

ضمن احترام به شخصیت‌های مورد بهره‌برداری در کلیت،

در جزئیات خوانش‌های خود را داشته‌باشند. مهم‌ترین

امتیاز منصور به نویسنندگی و کارگردانی سیایش سرمدی و

محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج، پرداختن به زندگی و

بخشی از خدمات شهیدمنصور ستاری به عنوان فرمانده

نیروی هوایی ارتش (از سال ۶۵) است. یک قهرمان ملی و

واقعی که فیلم منصور دست کم موفق می‌شود به واسطه

رسانه گسترده سینما، نقشی مهم در معرفی بیشتر او به

مردم به ویژه جوان‌ها داشته‌باشد. مخاطب قطعاً با دیدن

فیلم منصور، به شخصیت ستاری علاقه‌مند می‌شود و اگر

خنده‌ناپذیر از آنها نمایش داده‌شود، باعث شده این

بهره‌بردار سینمایی چندان رخ ندهد و اگر هم محصولی

با عبور از هزار فیلتر تولید شده، ابدا نشانی از جذابیت

نداشته‌باشد. در این میان استثنائاتی چون ایستاده‌درغبار

راهم داریم که یک قهرمان جذاب واقعی (احمد موسولیان)

را به تصویر می‌کشد که برای تماشاگران با غافلگیری همراه

است. هرچند همین مورد هم گلابه‌ها و حقیقتی به

دنبال داشت. درحالی‌که ما باید به درکی جمعی از سینما

و قصه‌گویی و جذابیت برسیم و اجازه دهیم فیلمسازان